

گفتگویی با «هرمز فرهنگت»

درباره موسیقی در جشن هنر شیراز

در جریان چهارمین جشن هنر شیراز ، فرصتی دست داد تا با دکتر هرمز فرهنگت آهنگساز و موزیکولوگ در زمینه برنامه‌های موسیقی جشن و نیز درباره زندگی موزیکال در ایران به گفتگو بنشینیم .

برنامه‌های موسیقی جشن هنر زیر نظر فرهنگت انتخاب و تنظیم میشود .

حاصل گفتگورا در زیر میخوانید :

آتوسا

آتوسا - آقای فرهنگت ، مسائل فراوانی هست که میتواند در گفتگوی ما مطرح شود ، ولی شاید شما هم موافق باشید که پیش از هر چیز از جشن هنر و برنامه‌های موسیقی سال جاری آن صحبت کنیم ، که خود مناسبت این گفتگو را بوجود آورده است .

برای آغاز گفتگو بد نیست که نظر شما را بطور کلی درباره برنامه‌های

اندک موسیقی در جشن هنر امسال یدانیم .

فرهت - در جشن هنر امسال ما بطور کلی با سه نوع برنامه موسیقی روبرو شدیم ، که عبارت باشد از موسیقی شرقی و بخصوص موسیقی هند ، موسیقی غربی و موسیقی ایرانی . شاید پیش از هر چیز بتوان گفت که اختصاص سه برنامه به تکنوازی هندیان ، با توجه باینکه موسیقی تم اصلی جشن امسال نبود ، از نظر شکل کار ، کمی زیادی مینمود . ولی از حق نگذریم ، از نظر محتوی برنامه های هندیان بسیار جالب و با ارزش بود . موسیقی مغرب زمین ده برنامه را بخود اختصاص داده بود که دوتای آنها ارکسترال بود . استفاده از این برنامه ها بیشتر از این جهت که آثار موسیقی معاصر را در بر میگرفت ، برای ما مغتنم بود . گروه آواز جمعی رادیو و تلویزیون فرانسه (O . R . T . F) ، امسال ره آورد ضعیفی برای ما داشت . دو برنامه اجرایی گروه بطور کلی ، چه از نظر کیفیت ، و چه از نظر کمیت و چه از لحاظ اجرا ضعیف تر از سال پیشین بود . در میان آثار اجرایی این گروه ، بخصوص قطعه «دانه» از «فرانسوا برنارماش» ، ارزش فراوانی را در برداشت . هم چنین قطعه «لوئی دپابلو» ، جالب و ارزشمند بود . کوارتت «جولیار» ، بنظر من بهترین برنامه موسیقی غربی جشن را عرضه کرده است و ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران برنامه ای واجد ارزش داشت .

آتوسا - قبل از اینکه شما به توضیح در مورد موسیقی ایرانی جشن برسید ، میخواستم بگویم که برنامه های موسیقی ملی با وجود ضعف های شدید اجرایی و ناشایستگی هایی که در کار برخی از گروه ها و اعضای آنان محسوس بود ، مع هذا بنظر میرسد که از نظارت و انضباط بیشتری برخوردار بوده است . گویا شما امسال شخصاً و مستقلاً مسئولیت این برنامه ها را بر عهده داشته اید .

فرهت - میدانید ، روحیه ی خودپرستانه ای که در برخی از نوازندگان ملی ما وجود دارد ، مهمترین مانع در راه عرضه ی برنامه های گروهی است . بهمین جهت ، ارزش این برنامه ها ، از سطح انتظار قبلی من پائین تر بود . واقعاً باید با اینگونه روحیه و اصرار در خودنمایی در کارهای گروهی جلوگیری کرد .

آتوسا - باعتماد من ، و دست کم در يك فستیوال ، ایجاد محدودیت زمانی برای اجرا کنندگان موسیقی ملی ، با توجه به خصلت و ذات بداهه - پردازانه‌ی این موسیقی ، نوعی شتاب و اضطراب در آنان بوجود می‌آورد که بالمآل از تمرکز احساس و اندیشه جلومیکبرد و تشتت و پراکندگی ذهنی و در نتیجه فقدان « هم‌نوازی » را سبب می‌شود . آیا بهتر نیست همانگونه که ما نوازنده هندی را در زمانی نامحدود - و یا کمتر محدود - مجال هنرنمایی میدهیم ، دست و بال نوازندگان ملی را نیز بازتر بگذاریم ؟

فرهت - ما امسال بیشتر موسیقی آوازی داشتیم تا تکنوازی و عمل آفرینش فی‌البداهه بیشتر با خوانندگان بوده است . ولی این نیز نکته‌ای است که نوازندگان مجال کافی به خواننده گروه خود نمی‌دهند . مثلاً « شجریان » باعتماد من صدای خوبی دارد ، ولی در شب اجرا آمادگی نداشت و مجال کافی نیز برای نشان دادن صدای خود بدست نمی‌آورد .

آتوسا - بنظر من ، خوانندگان که امسال در جشن شرکت جسته بودند ، جز یکی دوتن ، به هیچوجه شایستگی هنری چنین کاری را نداشتند . و این نکته‌ای است که احتمالاً شما نیز با آن موافقید . در این صورت و با توجه به مسئولیت شما در سازمان جشن ، این پرسش برای من پیش می‌آید که اصولاً بر اساس کدام ضابطه خوانندگان موسیقی جشن را انتخاب میکنید ؛ مایه صدائی ؟ ، سابقه هنری و یا چیزی دیگر ؟ ...

فرهت - خوانندگان تلویزیون ملی ایران ، که برای شرکت در جشن هنر نیز غالباً از آن‌ها دعوت میشود ، دست کم سابقه‌ای دو ساله در تلویزیون دارند . البته من از نحوه پذیرش قبلی آنان اطلاعی ندارم ، ولی روشن است که سازمان‌های تلویزیونی در همه جا ، علاوه بر مایه‌های هنری به جنبه‌های سمعی و بصری نیز توجه دارند . در مورد خواننده نیز قابلیت بصری معرفی آنان مورد نظر است . برای شرکت در جشن هنر ، کوشش میشود تا هم بهترین خوانندگان موجود در سازمان تلویزیون برگزیده شوند و هم تا حدودی رعایت نوبت از نظر دور نگردد . ما امسال سه خواننده خوب از « رادیو » داشتیم ؛ « شهیدی » که بیشك يك خواننده ممتاز است . محمودی خوانساری نیز صدای بسیار خوبی

دارد. شجریان هم که قبلاً از او صحبت کردیم. رضوی خواننده جدید تلویزیون است که میتوان به آیندهی او امیدی بست. ولی در جشن هنر امسال کارش خوب نبود، شاید هم باین جهت که برای اولین بار در یک فستیوال شرکت میکرد. نکتهای که در زمینهی موسیقی ایرانی جشن باید بآن اشاره شود، در مورد گروهی است که «پایور» سرپرستی آن را بر عهده داشت، تمامی اعضای این گروه واقعاً در کار خود برجسته هستند: فرامرز پایور، جلیل شهناز، حسین تهرانی، اصغر بهاری و عبدالوهاب شهیدی.

آتوسا - علاوه بر گروه ممتاز پایور، من فکر میکنم که گروه ملك نیز گذشته از نقاط ضعفی که در برنامه آنان محسوس بود، از گروههای خوب شرکت کننده در جشن بود. برادران ملك اعتقاد دارند که دست و بال آنها در انتخاب ردیف و قطعاتی که مایلند بنوازند بسته است. وفي المثل میگویند چرا از آنها خواسته شده است که «نوا» بنوازند، آنهم درست در لحظاتی که آنان خود را برای اجرای دستگاه دیگری آماده کرده بودند.

فرهت - من تعجب میکنم که هنرمندانی که سالها است دست اندر کار موسیقی هستند حتی در جاهای دیگر نیز روی صحنه رفته اند، چطور ممکن است خود را در نواختن یکی از دستگاههای موسیقی ملی ناآماده ببینند. «نوا» یکی از هفت دستگاهی است که در ردیف موسیقی ایران موجود است و نوازندگان باید با آن ودحالت هایش آشنا باشند. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

آتوسا - در اینجا مسئله تبحر و ورزیدگی نوازندگان کمتر مطرح میشود. نکتهی عمده آنست که یکی دو دستگاه موسیقی ایرانی مدتهاست که شکلی نیمه متروک بخود گرفته اند و چه بسا که رفته رفته به فراموشی بیفتند. کمتر برنامهی موسیقی ایرانی است که امروز در «نوا» یا «دراست پنچگاه» تنظیم و اجرا شود. همین متروک ماندن و بالمال مورد عمل و تمرین قرار نگرفتن، خود علت فقدان ورزیدگی کافی غالب نوازندگان برجسته ما در اجرای این دو دستگاه میشود. «ملك»ها نیز در این ماجرا مستثنی نیستند. بهر حال با اعتقاد من استعداد و بخصوص «احساس» چشم گیر «ملك»ها چیزی است که برای آن دو (حسین و اسدالله) در جمع نوازندگان ایرانی، امتیاز میآورد.

فرهت - بهر حال ما بر نامه‌ی جشن را از پیش تنظیم کرده بودیم و صحیح نبود که دست به تغییر آن میزدیم . این خود يك انضباط است .
آتوسا - بد نیست کمی درباره مسئله «همنوازی» در موسیقی شرق بطور کلی و مقایسه‌اش با هم‌نوازی در گروه های ایرانی صحبت کنیم . بنظر شما چه چیزی سبب اختلال در ایجاد هم‌نوازی کامل در گروه های موسیقی ایرانی میشود ؟

فرهت - بطور کلی گروه نوازی در موسیقی ایران ، يك امر تقلیدی و مصنوعی است ، حال آنکه فی‌المثل در موسیقی هند يك کار طبیعی .
گروه نوازی را از بیست سی سال اخیر به موسیقی ایران تحمیل کرده‌اند . روحیه‌ی ایرانی، اصولا يك روحیه‌ی انفرادی است . برای نوازنده‌ی ایرانی بسیار مشکل است که دو یا سه خط موسیقی را از بر کند و این نشان میدهد که عادت به همکاری در کار گروهی در ایران وجود نداشته است . اصولا کار نوازندگان ایرانی را نمیتوان «گروهی» دانست . آنان بیکدیگر اعتقاد ندارند و خود را «رقیب» یکدیگر می‌شناسند . هر کس میکوشد تا «خود» را جلو بیندازد و عرصه را برد دیگری تنگ سازد ، استثنائاتی البته وجود دارد ، فی‌المثل در مورد «پایور» و «تهرانی» ، ولی در موسیقی هند قضیه بشکل دیگری است ، يك تفاهم و صمیمیت عمیق نوازندگان را بیکدیگر ارتباط میدهد .

آتوسا - صفاتی که شما بدرستی در مورد نوازندگان ایرانی بکار بردید ، صفاتی اجتماعی است که متأسفانه در بعضی موارد همه جامعه‌ی امروزی ما را در بر می‌گیرد ، ولی بهر حال ازلی و ابدی نیست . از نظر «ماهیت» و خصلت ذاتی ، من تفاوتی میان موسیقی ایران و هند - در حوزه‌ای که مورد بحث ما است - نمی‌بینم . هر دو عرفانی و متفکرانه است . هر دو فی‌البداهه است . آنچه از بیان شما برای من صد درصد قابل قبول است «صفت»ها - و نه خصلت‌ها -ی ضد گروهی خاصی است که بر جامعه ما حکمفرما است و در هر کار گروهی اختلال میکند .

فرهت - من فکر میکنم که موسیقی ایرانی يك موسیقی «خصوصی» و «محفلی» است و همین صفت ایجاب میکند که این موسیقی با کار گروهی و جمعی جور در نیاید . اصولا چه اصراری هست که ما گروه‌های موزیکال داشته باشیم .

ارزش موسیقی مادر تکنوازی‌ها آشکار می‌شود و رابطه‌ای با تعداد نغرات نوازنده ندارد .

آتوسا - ارکستر مجلسی تلویزیون ملی از شما، قطعه‌ی جدید «سینفونیتا» را اجرا کرد، که با اعتقاد من، نسبت به « فوگ در دشتی » سال پیش شما، نشان دهنده‌ی پیشرفتی بود . خودتان در این مورد توضیحی ندارید؟ .

فرهت - بنظر من نیز این اثر، خیلی پرورده‌تر از اثر قبلی است . طرح يك سنفونی را دارد . بخصوص فکر میکنم گسترش موومان اول آن که دارای دو تم اصلی است ، شکل جالبی پیدا کرده . در آخر قطعه ، فرم «روندو» آمده که فرم متداولی است . دو موومان میانی فرم آزادتری دارد . و شاید از لحاظ تکنیک میتوانند بهترین معرف سبک و شیوه‌ی کار من باشند . «سینفونیتا» را من يك اثر سنتی (ترادیسینول) میشناسم، البته در مفهوم این اصطلاح در قرن بیستم . این نوع کار سلسله مراتبی داشته است که از «ماهلر» آغاز شده و به «هیندمیت» و «بریتن» رسیده است .

میدانید که من شاگرد « لوکاس فوس » بوده‌ام که ادامه دهنده چنان سبکی است . من آثاری را که سنت‌ها را قطع میکنند، نمی‌پسندم . هر کس باید « موقعیت » مشخصی برای خود انتخاب کند . بر همین اساس است که من نیز کوشیده‌ام به «اعتقاد»ی برسم از نظر طرز تفکر هنری ، و می‌بینید که باینجا رسیده‌ام . با اعتقاد من همه‌ی التهاب‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم در دنیای موسیقی بوجود آمده ، پس از مدتی فروکش خواهد کرد . کارهایی که امروز با اصطلاح پرسر و صدا و چشمگیر هستند ، تا بیست سی سال دیگر بخار میشوند ، آنچه ماندنی است ، شاید آثاری باشد که هنوز در رابطه‌ی با گذشته هستند . تکرار میکنم که هر هنرمند باید به يك «موقعیت» مشخصی دست پیدا کند . اینکه میگویند ارزش هر کار هنری در آینده کشف میشود، مطلقاً درست نیست . بسیاری را میتوان نام برد ، از بزرگان موسیقی ، که در زمان زندگی خود به شهرت درخور و صادق رسیده‌اند: موتسارت، بتهوون، برامس و دیگرانی از این قبیل . باخ و بروکنر را اگر مثال بزنید، خواهم گفت که آنان خود تمایل به شهرت جوئی و عمومی شدن، نداشته‌اند .

آتوسا - شما در زمینه‌ی موسیقی فیلم نیز کار میکنید . در همین جشن هنر امسال موسیقی شما را در فیلم «آقای هالو» شنیدیم و سال گذشته در فیلم «گاو» . من بطور کلی شیوه‌ی موسیقی نویسی شما را برای فیلم نپسندیده‌ام . بنظر میرسد که نوعی عدم تطابق میان موتیف‌های انتخابی شما و فضای کلی داستان در دو فیلم یادشده وجود دارد .

مثلا در همین «آقای هالو» یکباره از موسیقی روحوضی به نوعی موسیقی شبه «باروک» می‌رسیم که مطلقاً یکدست نیستند . و تازه برای فیلمی از نوع «آقای هالو» چگونه میتوان از شیوه‌های شبه باروک استفاده کرد . آیا با بکارگیری این شیوه فکر کرده‌اید که در تلقین شخصیت ساده لوحانه «آقای هالو» موفق شده‌اید؟ فرهنگ - من در برخی بخش‌های این فیلم ، فی‌المثل در تم عاشقانه‌ی «مهری» و «هالو» از مایه‌های ایرانی (همایون) استفاده کرده‌ام . ولی این حرف شما را بطور کلی قبول دارم که موسیقی فیلم یکدست از کار در نیامد و واجد تضادهائی است . شاید بیشتر باین سبب باشد که من از وجود بخش موسیقی ، روحوضی فیلم آگاهی نداشته‌ام . بهر حال روشن است که چنین عدم تطابقی بوجود آمده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی